

مجله‌ی مطالعات ایرانی
مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال پنجم، شماره‌ی نهم، بهار ۱۳۸۵

انسان / انزان: یک جستجوی تاریخی*

دکتر قربانعلی ابراهیمی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

سرزمین ایران به دلیل برخورداری از جغرافیایی متنوع و گونه گون، موجب پیدایش فرهنگ‌های متنوع با خاستگاه‌های ناشناخته شده است. فرهنگ‌های بزرگی همچون ایلام که خاستگاه و حتی محل اصلی نشو و نمای آن‌ها در تاریکی و ابهام فرو رفته است.

تا حدود صد سال پیش شناخت ما از ایلام محدود به نام آن تمدن از طریق چند کتیبه بود و سپس، با حفاری‌های شوش و سایر مناطق ایلامی، این شناخت و آشنایی بیشتر شد. تا اینکه در سال ۱۹۷۲ کاوش‌های سامنر (Sumner, 1972) در تل ملیان در بیضای فارس، بیشتر دانسته‌های دانشمندان درباره‌ی ایلام را دگرگون کرد و به زبانی دیگر، بخش‌هایی از پژوهش‌های ایلامی‌شناسی در سایه‌ی دستاوردهای او و همراهانش کم رنگ و ناکارآمد گردید. شاید بیشترین سود حفاری‌های سامنر متوجه انشان یا انزان مندرج در کتیبه‌های

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۴/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۴/۱۰/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: _____

سارگن و گودآ و سپس، کورش بزرگ شد که تا سال ۱۹۲۲ مکان آن بختیاری و خوزستان تصور می شد، اما این بار، با کتیبه های یافته شده توسط سامنر و قرائت آن توسط راینر (Reiner, 1973)، روستای ملیان در بیضای فارس بیشترین نقش تاریخی را در تاریخ ایلام ایفا خواهد کرد و به قلب انشان باستانی بدل خواهد شد.

این جستار می کوشد، با مراجعه به منابع و مراجع جدید به قطعی کردن این مسأله برای پژوهشگران بپردازد.

واژگان کلیدی

ایران، ایلام، انشان / انزان، فارس، بیضا، ملیان.

۱- تمدن ایلام^(۱)

ایرانیان طی دو دوره مهاجرت، نخست در دوهزار ق.م و بار دوم حدود هزار ق.م به فلات ایران وارد شده‌اند. مهاجرت نخست چندان با توفیق همراه نبوده، اما مهاجرت دوم منجر به استقرار ایشان در نقاط مختلفی از فلات فعلی ایران شده است. پیش از ورود ایرانیان به فلات ایران، تمدن‌های دیگری نیز در فلات ایران وجود داشته است. یکی از این تمدن‌ها، تمدن ایلامی است که به مدت سه هزاره تقریباً تمام نیمه‌ی جنوب غربی ایران را زیر سلطه داشته است. منشأ قوم ایلام دقیقاً مشخص نیست و آن‌ها را از نژادی مستقل دانسته‌اند:

"هر تلاشی برای ردیابی نژاد عیلامی با دشواری مواجه می‌شود. هر چه منابع موجود را بیشتر بررسی کنید، بیشتر این تصور را پیدا می‌کنید که عیلامی‌ها، عیلامی بوده‌اند، نژادی با استقلال خدشه ناپذیر. هیچ رابطه‌ای با دیگر ملل هنوز پیدا نشده است. اما محتمل به نظر می‌رسد که عیلامی‌ها با لولوبی‌ها^(۲)، یک نژاد کوه نشین همسایه در شمال، و دیگر مردمی که مردم «سو» نامیده می‌شوند، وجه اشتراک فراوانی دارند (هیتس، ۱۳۷۶، ۲۶).

سرزمین ایلام به روایت خودشان، هلمتمتی^(۳) (سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان) نامیده می‌شد، که مرکب از هل به معنی سرزمین و تمی به معنی مقدس یا خدایان بود. واژه‌ی ایلام

صورت اکدی هلتمتی است. سومری‌ها ایلام را نیم (سرزمین مرتفع) می‌نامیدند (حریریان، محمود و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۱۲۷) و (هینتس، ۱۳۷۶، ۲۴-۲۳).

تمدن ایلام از ۸۰۰۰ ق.م تا ۶۴۶ ق.م که به وسیله‌ی آشوری‌ها کم رنگ شد، آثار تمدنی بسیاری در نیمه‌ی جنوب غربی ایران به جا گذاشته است^(۴).

از حدود ۲۷۵۰ ق.م ایلام وارد دوره‌ی تاریخی می‌شود و در حدود سال ۲۵۷۰ ق.م برای نخستین بار سلسله‌ای در ایلام تشکیل شد (حریریان، ۱۳۷۷، ۱۳۲-۱۳۱).

از این تاریخ سلسله‌های زیر بر ایلام حکومت کرده اند:

سلسله‌ی اول اون (۲۵۷۰ - ۲۴۷۰ ق.م) سلسله‌ی دوم اون (۲۴۷۰ - ۲۱۸۳ ق.م) که در این دوره سارگن به انشان حمله کرده است. دوره‌ی اول فترت (۲۱۸۳ - ۲۰۷۰ ق.م) که در این دوره گوتی‌ها بر سرزمین ایلام مسلط شدند و در همین زمان، کتیبه‌هایی از گودآ^(۵) یافته شده است که می‌گوید: «شهر انشان در عیلام» را فتح کرده است. سلسله‌ی اول سیمشکی (۲۰۷۰ - ۲۰۴۰ ق.م)، تأسیس این سلسله نشان می‌دهد در همان زمان که ناحیه‌ی شوشون^(۶) تحت سلطه‌ی اور قرار داشت و ناحیه‌ی انشان^(۷) (تل ملیان^(۸)) در فارس و بخش‌هایی از شمال شرق خوزستان) نیمه مستقل بود. دوره‌ی حاکمان دست‌نشانده‌ی اور در ایلام (۲۰۶۴ - ۲۰۱۰ ق.م)، سلسله‌ی دوم سیمشکی^(۹) (۲۰۴۰ - ۱۸۵۰ ق.م)، سلسله‌ی اپرتی^(۱۰) (۱۸۵۰ - ۱۵۰۰ ق.م)، دوره‌ی دوم فترت (۱۵۰۰ - ۱۳۵۰ ق.م)، ایلام جزئی از متصرفات دولت کاسی بابل گردید. حکومت هورپتیل^(۱۱) (۱۳۵۰ - ۱۳۳۰ ق.م)، سلسله‌ی ایگک - هلکی^(۱۲) (۱۳۵۰ - ۱۲۱۰ ق.م) سلسله‌ی شوتروکی (۱۲۰۵ - ۱۱۰۵ ق.م)، دوره‌ی سوم فترت (۱۱۰۵ - ۷۶۰ ق.م)، در این دوره سرزمین ایلام به مدت سه قرن و نیم وارد دوره‌ی تاریک شد. احتمالاً در این تاریخ شاه بابل بر ایلام نیز حاکم بود. سلسله‌ی ایلام نو (۷۶۰ - ۶۴۴ ق.م) که در پایان این دوره، سلسله‌ی ایلام نو به دست آشور - بانی پال - منقرض شد و حیات سیاسی مستقل ایلام برای همیشه خاتمه یافت. البته این قید "برای همیشه" با نظریات دیگر محققین ایلامی شناس متفاوت است. هینتس آخرین تلاش‌های ایلامی‌ها برای بقا را تا ۵۲۹ ق.م ادامه می‌دهد (هینتس، ۱۳۷۶، ۱۸۸). و میروشیجی ۶۴۶ ق.م، یعنی تاریخ مهمترین شکست ایلام را این‌گونه تحلیل می‌کند:

در ۶۴۶ ق.م در واکنش نسبت به لشکرکشی آشور بر ضد ایلام به در هم فروریختن و نابودی ترکیب سازمان سیاسی و اقتصادی ایلام کهن منجر شد و همزمان به بازسازی و تجدید قلمرو بابل، تشکیل حکومت ماد، تأسیس و برقراری مجدد یک دولت ایلامی در شوشان و پیدایش فرمانروایی پارسی انشان مشخص شده است. (میروشیچی، ۱۳۷۶، ۲۰۵) و همو در ادامه‌ی بحث، پایان حکومت ایلامی را ۵۲۰ تاریخگذاری می‌کند. (همان، ۲۰۶ - ۲۰۳).

همچنانکه ملاحظه شد، تاریخ ایلام فراز و فرودهای بسیاری داشته است، اما «عصر طلایی تمدن ایلامی» در دوره‌ی شاهان انشان و شوش در حدود سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۱۰۰ ق.م بوده است. اوتناش گال^(۱۳) از شاهان معروف ایلام در نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم ق.م آنچنان حکومت ایلامی را به عظمت رسانید که این دوره، به قرن اوتناش گال معروف شده است. او در شهر دور اوتناش^(۱۴) که امروزه به چغازنبیل^(۱۵) معروف است، معبدی ساخت که تا امروز شهرت خود را حفظ کرده و بزرگترین خدای ایلام، به نام این شوشیناک^(۱۶) را در بالاترین و مهمترین قسمت این معبد جای داد (بیانی، ۱۳۸۱، ۱۸). کشور ایلام دارای قانون اساسی بود که اجرا می‌شد و خلاصه‌ی آن بدین قرار است:

«کشور به شکل سه نفره اداره می‌شد. شاه در رأس حکومت قرار داشت. پس از او نایب السلطنه‌ی ایلام (برادر جوانتر شاه) مقام دوم و شاهزاده‌ی شوش که می‌بایست پسر شاه باشد، مقام سوم را داشت. نایب السلطنه‌ی ایلام ولیعهد بود. شاه جدید پس از جلوس باید با بیوه‌ی شاه متوفی ازدواج می‌کرد. (حریریان، ۱۳۷۷، ۱۴۳)».

۲- جغرافیای تاریخی ایلام

والتر هینتس معتقد است که سرزمین ایلام از دو قسمت تشکیل می‌شده است: از سرزمین مسطح و بارور سوسیانا [سوزیانا] در غرب، در سرحد بین النهرین که پایتخت قابل احترام آن شوش نامیده می‌شد و سرزمین کوهستانی و دشت‌های انزن در شرق که از کوه‌های بختیاری تا حاشیه‌ی کویر نمک لوت، یعنی تا کرمان و شرق آن گسترده بود. (هینتس، ۱۳۸۰، ۶۱) و باز در تأیید همین نظریه یا شاید در ادامه‌ی آن:

«قسمت اصلی سرزمین ایلام، دشت شوش یا شوشون (خوزستان کنونی) بود که صورت یونانی آن سوزیانااست، اما حدود ایلام بسیار گسترده‌تر از این دشت بود، در ادوار اوج تاریخ ایلام، حدود آن در شمال تا کویر مرکزی ایران، اصفهان و خرم‌آباد کنونی، در جنوب تا خلیج فارس، در شرق تا شهر سوخته در نزدیکی زابل کنونی، و در مغرب تا دشت بین‌النهرین می‌رسیده است. (حریریان، ۱۳۷۷، ۱۲۷) و گسترده‌تر همین نظریه: (هینتس، ۱۳۷۶، ۲۶ - ۲۱).

اما تحقیقات جدیدتر پس از کارهای هینتس حرف‌های تازه‌تری درباره‌ی جغرافیای تاریخی ایلام و مقدار اهمیت شوشان دارد:

کلمه‌ی ایلام نیز دو واقعیت جغرافیایی جداگانه را در بر می‌گیرد. به مفهومی وسیع، این تمامی فلات ایران است که در غرب به بین‌النهرین و در شرق به یک محور شمال-مغرب و جنوب-مشرق با عبور از دشت کویر و دشت لوت برای دسترسی به خلیج فارس محدود است. این همان است که ما می‌توانیم آن را به طور مشروط امپراتوری ایلام بنامیم. به مفهومی محدود، ایلام سرزمینی است که تقریباً استان فعلی فارس را در بر می‌گیرد و آنگاه عنوان پایتخت آن را دارد. از دید سیاسی، قلمرو ایلام مجموعه‌ی فلات یا بخشی از این مجموعه را که شوشان در برخی از ادوار می‌توانست ضمیمه‌ی آن باشد، تشکیل می‌دهد. فقط در دوره‌ی ایلامی جدید است که با استقرار مادها و پارس‌ها در فلات هنگامی که اهالی ایلامی تبار به شوشان پناه می‌برند، این ایالات نام ایلام به خود می‌گیرند. (والا، ۱۳۷۶، ۱۹۰).

با این نظر فرانسوا والا که مبتنی و متکی بر دستاوردهای جدید باستان‌شناسی است، اصل صورت مسأله مورد سوال قرار می‌گیرد. براساس حفاریات باستان‌شناسان و انبوه داده‌های باستان‌شناسی در شوش، تاکنون گمان بر این بود که شوش قلب همیشه تپنده‌ی امپراتوری ایلام است، البته پیش از این، تردیدهایی درباره‌ی اهمیت شوش آغاز شده بود، آنجا که جورج کامرون می‌گوید:

«اما باید بر این حقیقت تأکید ورزیم که شوش که در دشتی حاصلخیز واقع شده است، به تنهایی هرگز نمی‌تواند پرده از رازهای سر به مهر تاریخ عیلام برگیرد. زیرا عیلامیان نخست مردمی کوه‌نشین بودند و در طی چندین دوره از تاریخ شوش تنها نقش کوچکی ایفا

کردند، اما بازیگر اصلی نمایش، انشان بود که هنوز جای آن به درستی روشن نشده است.» (کامرون، ۱۳۶۵، ۹) و بهتر از جورج کامرون والتر هینتس تردید اصلی را ایجاد می‌کند: «اما سوزیان با وجود ثروت زراعی‌اش، اگر کوهستان‌های شمال، شرق، و جنوب شرقی آن، یعنی کوه‌های لرستان و بختیاری فعلی - جزیی از عیلام نبودند، هرگز اهمیت اولیه‌ی خود را باز نمی‌یافت. عیلامیان قدیم این کوهستان‌ها را «انزان» یا «انشان» می‌نامیدند^(۱۷)، به ویژه قسمت شرقی را. هم شهر شوش و هم دشت سوزیان، نام «شوشون» را بر خود داشتند. سومری‌ها، حروف اختصاری نیم (NIM) را برای عیلام به کار می‌بردند و این کلمه در زبان سومری به معنای بالا است. از این جا می‌توان نتیجه گرفت که برای ساکنان بین‌النهرین، عیلام واقعی در «بالا» قرار داشت نه در سوزیان، بلکه در کوه‌های پشت آن (هینتس، ۱۳۷۶، ۲۵).

سوی نزع برسر اهمیت شوش یا انشان، ایلام شامل بخش‌های: انشان، اوان و سیماش در درجه‌ی اول که حاکم نشین اوان محلی بود، نزدیک شوشتر کنونی و شوش، شهر عمده‌ی این حاکم نشین بوده است و نایب‌السلطنه‌نشینی در دریای فارس و سواحل آن به نام لیان. بدین سان، ایلام سرزمین‌های پهناوری از ایران کنونی، از خوزستان و لرستان تا فارس و اصفهان و کویر مرکزی تا زابل و شهر سوخته را در بر گرفته است.

۳- دو شهر عمده‌ی ایلام، شوش، انشان

تا حدود سال‌های ۲۱۲۲ ق.م فقط از شوش به عنوان مهم‌ترین شهر آشور آگاهی داریم و از انشان شهر بزرگ دیگر ایلام بی‌خبریم. از همین زمان «کتیبه‌هایی از گودآ (۲۱۴۱ - ۲۱۲۲ ق.م) حکمران سلسله‌ی دوم لگش [به دست آمده است] که روی یکی از مجسمه‌هایش نوشته است: «شهر انشان را در ایلام با اسلحه» تسخیر کرده است (حریریان، ۱۳۷۷، ۱۳۵) و این تاریخ ورود انشان به منابع تاریخی ایلام است.

البته منابع اکدی این تاریخ را کمی عقب‌تر می‌برند: «از انشان برای نخستین بار در یکی از لوحه‌های سارگن اکدی (۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ پ.م) یاد شده است» (ارفعی، ۱۳۵۶، ۳۰) (کامرون، ۱۳۶۵، ۲۶).

و البته تقریباً تمام محققان نام انشان و شوش را همچون دو شهر اصلی یا دو ایالت اصلی همراه هم ذکر می‌کنند. «مدت‌های مدید شوش را مرکز عیلام می‌پنداشتند، اما اکنون معلوم شده است که تنها یکی از مراکز مهم آن بوده، انشان از جمله دیگر مراکز آن است (کرتیس، ۱۳۷۸، ۹).

همچنانکه پیشتر مطرح شد، به نظر می‌رسد انشان بستگی بیشتری به سرزمین ایلام دارد تا شوش. بدین معنا که شوش در دوره‌هایی متفاوت وابسته به ایلام نیست، در حالی که انشان نه تنها همیشه همراه ایلام ذکر می‌گردد، بلکه گاهی دو اسم برای نامیدن یک نقطه است و به خودی خود اهمیت بیشتری در تاریخ ایلام دارد.

«شوشان (شوش) خواه زمانی که تحت انقیاد مستقیم بین النهرین (دوره‌های اکد، گودآ، یا سلسله‌ی سوم اور) بوده، خواه زمانی که تابع و تحت تسلط ساکنان فلات (سلسله‌ی اپارتی‌ها یا دوران ایلامی - میانه) بود، در متون و خط نبشته‌ها، در هر دو حال از ایلام متمایز شده است، حتی اگر از نظر سیاسی در هزاره‌ی دوم، بخشی تمام و کمال از مجموعه‌ی ایلامی به شمار می‌آمده است» (والا، ۱۳۷۶، ۱۸۹).

کیدنی‌ها، ایگی هلکی‌ها، شوتروکی‌ها عملاً در تمام متون سلطنتی خود، از یک سو شوش (شوشن) و انشان (دو شهر) و از سوی دیگر، شوشان (شوش) و ایلام (دو سرزمین) را در برابر هم قرار می‌دهند. قاعده‌ی مزبور پیوسته در خلال دوره‌ی ایلامی جدید دیده می‌شود. نسخه‌های جدید از نبشته‌های قدیم یک بار دیگر این امر را به طور ضمنی تأکید و به طور روشن و آشکار تأیید کرده که سرزمین انشان همانا سرزمین ایلام است (والا، ۱۳۷۶، ۱۸۹).

میروشیجی در مقاله‌ی «از قلمرو ایلامی انشان و شوش تا قلمرو پارسی انشان - بخش جنوب غربی ایران در قرن‌های هشتم و هفتم قبل از میلاد در پرتو پژوهش‌های جدید» همچنانکه پس از این نظریات او خواهد آمد، حدفاصلی میان انشان ایلامی و سپس، انشان فارس می‌کشد، ولی در آغاز بحث معتقد است که:

پارس (فارس) هسته‌ی مرکزی امپراتوری آینده‌ی پارس‌های هخامنشی، نخست سرزمینی ایلامی به شمار می‌آمده به نام «کشور انشان و شوش». یعنی یکی از دو اجزای تشکیل دهنده‌ی

قلمرو انشان و شوش که در خلال مدتی نزدیک به دو هزاره بر جنوب غرب ایران حاکمیت داشته است (میروشیجی، ۱۳۷۶، ۲۰۳).

با این مقدمه در برطرف ساختن بعضی تداخل‌های تاریخی درباره‌ی ایلام- انشان و ایلام- شوش، حال این سؤال پیش می‌آید که جایگاه تاریخی انشان کدام محدوده‌ی جغرافیایی است؟ تا حدود سال ۱۹۶۷ م. تمامی محققان با حدس و گمان و با استفاده از قراین تاریخی درباره‌ی انشان صحبت می‌کردند. جورج کامرون از ایلامی‌شناسان بزرگ در ۱۹۳۶ م. اعلام کرد: «هنوز جای انشان به درستی روشن نشده است» و گفت: «جز شوش هنوز جای دیگری که به تاریخ ایلام مربوط باشد، خاکبرداری نشده است.» (کامرون، ۱۳۶۵، ۱۰).

و ریچارد فرای که هنوز از نتایج حفاری‌های جدید مطلع نبوده است، در «میراث باستانی ایران» تردیدهای جورج کامرون را دارد: «انزان شاید بخشی از ایلام در کوه‌های شرقی آن سرزمین بود، ولی تعیین مرزهای درست آنجا ناممکن است.» (فرای، ۱۳۶۸، ۱۱۵).

یا تاریخ تمدن ویل دورانت، بدون آنکه تردید کند، انشان را در خوزستان و بختیاری جستجو می‌کند:

«ولایت انشان (شامل خوزستان و بختیاری) که در فرمان مادیان بود.» (دورانت، ج ۱، ۴۰۷). و گیرشمن که تا اوایل دهه‌ی ۶۰ (۱۹۶۰) در ایران به حفاری مشغول بود، همین نظر را دارد: «پسر و جانشین هخامنش، پیش پیش (۶۴۰ - ۶۷۵ ق. م) به خود عنوان پادشاه شهر «انشان» داده بود و ما تصور می‌کنیم که این شهر همان «مسجد سلیمان» کنونی است.» (گیرشمن، ۱۳۴۶، ۱۲۹).

از آنجایی که گیرشمن لااقل تا دهه‌ی ۶۰ میلادی جزء صاحب نظران تاریخ و باستانشناسی ایران باستان است، قولش پذیرفته است. چنانکه اکثر نقل قول‌های بعدی به او برمی‌گردد: «و آنطور که گیرشمن تصور می‌کند، این قبیله در کوهستان بختیاری در چهل کیلومتری شوشتر سکونت داشته است» (داندامایف، ۱۳۶۶، ۱).

و باز تحت تأثیر یافته‌ها و نیافته‌های گیرشمن، نویسندگان بومی این مناطق (خوزستان و بختیاری) همین نظر را دارند:

«بعید نمی‌نماید که اقامتگاه این کورش، مسجد سلیمان بوده باشد که تا شوشتر بیش از ۶۰ کیلومتر فاصله ندارد. انشان مذکور در کتیبه‌ی معروف کورش بزرگ که خود را پادشاه آنجا می‌نامد، باید در همین حدود باشد.» (عباس شهنی، ۱۳۷۴، ۲۳-۲۲).

و در جای دیگر می‌خوانیم: «در ۱۲۲۰ ق.هـ. [قبل از هجرت] انشان یا انزان مسکن حالیه‌ی بختیاری‌ها به دست «پاسیس» پسر هخامنش فتح شد و بعد از او کورش فرمانروای این منطقه می‌شود.» (سازمان برنامه و بودجه‌ی استان چهارمحال بختیاری، ۱-۲).

در اعلام فرهنگ معین نیز بالتبع همین نظر را می‌بینیم:

«انزان، انشان. نام قدیم خوزستان (عیلام)» (معین، ۱۳۷۱، ج ۵) و پیرنیا و دهخدا و ... و پیشتر نظریات والتر هیتس را هم دیدیم که با شک و تردید کوه‌های بختیاری را ایلام می‌دانست. این در حالی است که اکنون درباره‌ی مهاجرت پارس‌ها و مسیر ایشان بحث‌های جدیدی در گرفته و تقریباً بیشتر نظریات گذشته کنار گذاشته شده است:

ظاهراً تمامی داده‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناسی تا پایان دوره‌ی سلطنت آسارهادون (۶۸۰ تا ۶۶۹) حکایت از آن دارد که پارسوا/ پارسوماش در زاگرس مرکزی در منطقه‌ی کرمانشاه واقع بوده است. میروشیجی، محقق فرانسوی، درباره‌ی مهاجرت پارس‌ها به استان فارس و انشان که به نظر او در استان فارس و به خصوص در تل ملیان قرار دارد، نظر متفاوتی ارائه می‌کند. او می‌نویسد:

«اکثریت جمعیت بومی و محلی، یعنی ایلامی فارس، از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم کوچ نشین بوده و پس از مهاجرت در حدود (۱۰۰۰) (۴) [ق.م.] اقوام ایرانی، که آن‌ها نیز کوچ نشین بوده‌اند، به همین حال باقی مانده تا اینکه سرانجام، در قرن ششم یک جنبش قوی برای اسکان و استقرار گسترش یافته» و باز همو در ادامه می‌گوید:

«آشکار است که از این پس دیگر نمی‌توان نظریه‌ی قدیمی مبنی بر کوچ پارس‌ها از زاگرس مرکزی (پارسوا) تا فارس (انشان/ پارسه) را در تاریخ ۷۰۰ [ق.م.] مورد دفاع قرار داد.» در نتیجه‌گیری از بحث آغاز شده اعلام می‌کند:

۱- تا سال ۶۴۶ ق.م، فارس تحت استیلای کم و بیش مستقیم پادشاهان انشان و شوش بود. ساکنین آن که به طور تمام و کمال و یا در بخشی کوچ نشین بودند، از

مردمانی با ریشه‌ی بومی، یعنی ایلامی‌ها و ایرانی‌هایی که به تدریج و در خلال قرن‌های طولانی بدین سرزمین مهاجرت کرده بودند، تشکیل می‌شد.

۲- چند سال بعد از حدود ۶۴۶، با جابه‌جا شدن امپراتوری انشان و شوش، فارس به صورت قلمرویی مستقل تحت تسلط و اختیار سلسله‌ای از پادشاهان پارسی سربرافراشت. تنها از این دوره به بعد است که می‌توان از پارسی‌ها و نه ایلامی‌ها و ایرانی‌ها برای مشخص کردن ساکنین منطقه سخن به میان آورد.

۳- تمدن ایلامی از آن پس دیگر تنها مرجع پارسی‌ها، که از این پس تحت نفوذ مادها، بابلی‌ها و غیره بودند، به شمار نمی‌رود.

۴- به تخت نشستن داریوش نشانگر یک انفصال و از هم گسیختگی بزرگ مهم است: در امپراتوری گسترده‌ای که وی به آن تجدید سازمان داده، تمدن ایلامی دیگر یک عامل تشکیل دهنده‌ی اصلی محسوب نمی‌شد. در مجموع، می‌بایست روی کار آمدن امپراتوری پارسی هخامنشی را به معنای واقعی کلمه و ناپدید شدن قطعی ایلام را از صحنه‌ی روزگار در سال ۵۲۰ تاریخگذاری کرد.» (میروشیجی، ۱۳۷۶، ۲۰۶-۲۰۳).

بدین ترتیب، میروشیجی که اکنون در مقالات و کتب جدید، یافته‌های وی مرجع مهمی تلقی می‌شود، چند مسأله را حل کرده است:

یکی مسأله‌ی زمان مهاجرت و دیگری مسأله‌ی مکان و اسکان پارس‌ها در پارس / انشان. دکتر صادق ملک شهمیرزادی در نقدی بر کتاب تاریخ و تمدن ایلام تألیف دکتر مجید زاده بار دیگر اشتباهات باستان‌شناسان و مورخان پیشین را یادآور می‌شود: انشان، که سابقاً محل آن در منطقه‌ی بختیاری و حاکم نشین آن، خوخنور (khukhnur)، در نقطه‌ای نزدیک ایزه و مالمیر کنونی تصور می‌شده، با حفریاتی که در ملیان فارس انجام گرفت، معلوم شد که در فارس واقع بوده است (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۲، ۳۹).

و بی‌ی‌آمی‌ه که در کتاب تاریخ ایلام قبلی او نامی از ملیان نیست، در سخنرانی‌ای که در ۱۹۹۱ در بنیاد لوکونین در لندن تحت عنوان: عصر روابط ایران و بین‌النهرین، (۳۵۰۰ تا ۱۶۰۰ ق. م) برگزار کرد، چنین گفت:

در دوره‌ی بعد که دوره‌ی پیش-ایلامی خوانده می‌شود، بار دیگر جهت‌گیری تغییر می‌کند و شوش به حوزه‌ی فرهنگی گسترده‌ای منضم می‌گردد که مرکز آن ارتفاعات فارس در تل ملیان (انشان) قرار دارد و نفوذ خود را تا سیستان بسط داده است. (عبدی، ۱۳۷۲، ۵۱).

اما این انشان از چه زمانی توجه محققان را به خویش جلب کرد؟ مهمترین عامل جلب توجه محققان به انشان جز کتیبه‌های سارگن اکدی و گودا و کتیبه‌های پادشاهان ایلامی که در آن خود را شاه شوش و انزان می‌خواندند، فرمان کوروش کبیر بود که متن آن را محقق بزرگ ایلامی شناس، دکتر مجید ارفعی، به زبان فارسی ترجمه کرده است و با حواشی دقیق به چاپ رسانده است. در آن فرمان کوروش خود را چنین معرفی می‌کند:

«من کوروش، پادشاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه‌ی جهان، پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نوه‌ی کوروش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نبره‌ی چیش پیش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان.» (ارفعی، ۱۳۵۶، ۱۸-۱۷).

ضمن آنکه کیدنیو، تن / دن- روهوراتیر^(۱۹) دوم، شوتروک نهوتته‌ی^(۲۰) دوم نیز عنوان شاه شوش و انشان داشته‌اند (مجید زاده، ۱۳۷۰، ۲۹-۱۸).

دکتر ارفعی ذیل کلمه‌ی انشان و در شناساندن آن می‌گوید:

«انشان، Anšan / Anzan که در نواحی دشت بیضا و مرودشت جای داشته، ویرانه‌های مرکز آن، انشان، در ده ملیان در نزدیکی‌های بیضا یافت شده است. شهر انشان یکی از شهرهای کهن ایران می‌باشد که برای نخستین بار در یکی از لوحه‌های سارگن اکدی (۲۳۴۴ تا ۲۲۷۹ پ.م) از آن یاد شده و از آن زمان به بعد، همواره نام این شهر در تاریخ آمده است. شاید علت آنکه کوروش، خود و نیاکان خویش را به نام شاهان انشان می‌خواند، به سبب پرآوازه بودن نام انشان و عدم آشنایی مردم بین‌النهرین با نام پارس باشد^(۲۱). (ارفعی، ۱۳۵۶، ۳۰).

دکتر ارفعی و تمام محققان بعدی که دیگر در خوزستان و بختیاری به دنبال انشان نمی‌گردند، مدیون کاوش‌های باستان‌شناسی ویلیام سامنر^(۲۲) هستند که از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ در روستای ملیان منطقه‌ی بیضای فارس انجام گرفته است.

۴- ملیان، همان انشان باستانی است

ملیان روستای کوچکی است در قلب بیضای فارس که تل های بزرگ اطراف آن که یک محوطه‌ی ۲۰۰ هکتاری را در بر می‌گیرد، از اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ توجه باستان شناسان را به خود جلب کرد. مشخصه‌های جغرافیایی ملیان به شرح زیر است:

«ملیان به خط مستقیم در حدود ۵۰ کیلومتری شمال- شمال شرقی شیراز و ۴۸ کیلومتری غرب- شمال غربی تخت جمشید در دشت بیضا قرار دارد. ارتفاع محوطه از سطح آب‌های آزاد به حدود ۱۶۰۰ متر می‌رسد. دشت بیضا بخشی از حوضه‌ی رود کر در جنوب کوه‌های زاگرس است. این دشت آب و هوایی نیمه خشک دارد و آب آن از رود کر و شاخه‌های آن، به علاوه‌ی قنات، چشمه و چاه تأمین می‌شود. در کوه‌های غرب و شمال غرب ملیان که بلندی آن‌ها ۳۳۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد است، گذرگاه‌هایی وجود دارد که از طریق آن‌ها راه ملیان به خوزستان- دیگر مرکز تمدن ایلام- باز می‌شود. (عبدی، ۱۳۷۸، ۸۰). تاریخ حفاریات باستان شناسی در ملیان بعد از سال‌های ۱۳۴۰ به حفاریات بسیار درخشان ویلیام سامنر برمی‌گردد:

«ویلیام سامنر به هنگام بررسی حوضه‌ی رود کر در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ از ملیان بازدید کرد و بر روی تپه‌ی EDD تعدادی آجر کتیبه‌دار یافت، این آجرها را اریکاراینر^(۲۳) از موسسه‌ی شرق شناسی دانشگاه شیکاگو خواند و احتمال داد که ملیان همان انشان باستانی است.»^(۲۴) جستجوهای سامنر به یکی از بزرگترین سؤال‌های تاریخ ایلام پاسخ داد:

«مطالعات کتیبه نگاری و کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که ملیان همان انشان باستان، پایتخت مشهور ایلام بوده است.» (عبدی، ۱۳۸۰، ۴۷-۶۷).

دکتر مجید زاده که خود از کارشناسان صاحب نظر در این زمینه است، با تکیه به همین اطلاعات جدید و در تأیید نظریات قبلی می‌گوید:

«حفاریات دهه‌ی ۱۳۵۰ [ش.ه] در تل ملیان در استان فارس و... تصویری را که محققان برای سالیان دراز از فرهنگ‌های پیش از تاریخ، به ویژه فرهنگ و تمدن ایلامی داشتند، به یکباره دگرگون ساخت.» (مجید زاده، ۱۳۷۰، ۲).

و همو پیش از آن گفته بود: «مدارک به دست آمده از حفریات ملیان نشان داده است که این محوطه‌ی باستانی در واقع، همان شهر باستانی انشان یا انزان - یکی از ایالات مهم در دوران‌های اولیه‌ی تاریخی بوده است.» (مجیدزاده، ۱۳۶۸، ۱۲۷).

دکتر ارفعی سال‌ها بعد از «فرمان کورش بزرگ» در تعلیقات بر کتاب «پژوهشی در اساطیر ایران» از زنده یاد «دکتر مهرداد بهار» تأکید کرده است که:

انزان / انشان Anšan / Anzan، به معنای اخص، تل ملیان است و به معنای اعم، شاید فارس شرقی (غیر از فهلیان، کازرون و بوشهر و ...) باشد. (بهار، ۱۳۸۱، ۴-۱) و حتی در پاسخ کسانی که انشان را در جای دیگری غیر از فارس و مخصوصاً ملیان جستجو می‌کنند، مجیدزاده از قول دکتر ارفعی می‌گوید:

«از آن رو که هوهنور [نامی عیلامی و به احتمال فهلیان ممسنی] «کلید انشان» خوانده شده، و امروز محل انشان مشخص است (تل ملیان در فارس)، پس هوهنور نمی‌تواند در کوه‌های بختیاری باشد.» (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۳۳).

و فرانسوا والا که پیشتر بخشی از نظریات او را نقل کردیم، می‌گوید:

«از آنجا که از شکل ترکیبی سرزمین انشان سرزمین ایلام است» اطلاع حاصل کرده‌ایم، دیگر تعیین محل آن نباید ایجاد اشکال کند، به خصوص با در نظر گرفتن اینکه خرابه‌های تل ملیان در فارس، انشان قدیم را که امروزه محل آن به خوبی تعیین شده است، در خود مستور می‌سازد. (والا، ۱۳۷۶، ۱۸۹).

پی یر بریان نیز با تکیه بر کاوش‌های جدید محققانی چون سامنر، راینر و استاپلر همین نظر را دارد: «محل سرزمین انشان، امروز با یقین کامل مشخص شده است که همان مرودشت در استان فارس است» و بعد می‌گوید: «در خود جایگاه اصلی انشان (تل ملیان) الواح عیلامی، متعلق به پایان هزاره‌ی دوم کشف شده است.» (بریان، ۱۳۷۷، ۷۵-۷۴).

هاید ماری کخ که او نیز ایلامی شناس است، بر انشان / انزان / ملیان اینگونه تأکید می‌کند:

«در ناحیه‌ی کوهستانی شرق، شهر انزان (تل ملیان در ۵۰ کیلومتری غرب تخت جمشید) مرکز دوم عیلام قرار داشت. از این روی، شاهان عیلام را شاه شوش و انزان می‌خواندند.» (کخ، ۱۳۷۶، ۱۲).

والتر هینتس، ایلامی شناس بزرگ، با توجه به تحقیقات جدید و ارجاع به کارهای جان هانسمان^(۲۵) و اریکا رایتر نظر تازه‌تری دارد. او می‌نویسد:

«انزن که گاهی انزان یا انشان نوشته شده، به عیلامی انت سن (Antsan) تلفظ می‌شده است. پارس‌ها در این منطقه در سال ۷۰۰ ق.م دست به تصرف زمین زدند. در آن هنگام، پارس‌ها ظاهراً شهر انزن، مرکز سرزمین انزن را نیز تصرف کرده بودند. محل این شهر در خرابه‌های تل ملیان تقریباً در ۵ کیلومتری [۵۰ کیلومتری]^(۲۶) غرب تخت جمشید تصور می‌شود (هینتس، ۱۳۸۰، ۶۲-۶۱).

ریچارد فرای که پیشتر محل انشان را نامعلوم می‌دانست، در اثر کمال یافته‌ی بعدی‌اش که در پرتو تحقیقات جدید شکل گرفته است، چنین می‌گوید:

«در پارس در جنوب نخست عیلامیان بودند با شهر عمده‌ی خویش به نام انشان (تپه‌ی ملیان [تل ملیان] فرای، ۱۳۸۰، ۸۴) و می‌توان از ملیان تپه [تل ملیان] (در ناحیه‌ی بیضا) به جایگاه شهر کهن عیلامی انشان راه پیمود. (همان، ۱۷).

جان کرتیس در کتاب ایران کهن، ملیان را انشان باستانی می‌داند و با دو عکس زیبا یکی از روستای ملیان در دهه‌ی ۵۰ هـ.ش که متأسفانه اکنون با خاک یکسان شده و دیگری صحنه‌ای از حفاری سامنر بر روی تل ملیان بزرگترین رخدادهای دنیای ایلامی شناسی را ثبت و ضبط کرده است (کرتیس، ۱۳۷۸، ۹).

ملیان ضمن آنکه در طول قرون پیش از تاریخ پذیرای تمدن‌های کهن بوده، در دوره‌ی تاریخی ایلامی و سپس، هخامنشی تبدیل به یکی از کلان‌شهرهای جهان آن روز می‌شود: «[انشان] دهکده‌ی ملیان همزمان با دگرگونی‌های جمعیتی در مدت زمانی کوتاه آن چنان گسترش می‌یابد که به صورت یکی از بزرگترین مراکز شهری در سراسر خاورمیانه درمی‌آید.» (مجید زاده، ۱۳۶۸، ۱۳۹).

کاوش‌های سامنر و همکاران او حکایت از این دارد که استقرار در ملیان از هزاره‌ی ششم ق.م تا به امروز ادامه داشته است، که در بردارنده‌ی دوره‌های پیش از تاریخ، دوره‌ی ایلامی، هخامنشی، اشکانی، و ساسانی و حتی دوره‌ی اسلامی است.

۵- نتیجه

جغرافیای تاریخی ایلام در پرتو تحقیقات جدید تغییرات بزرگی کرده است. اکنون باستان‌شناسان و پژوهشگران معتقدند ایلام همان انشان است. ایلام به مفهومی وسیع تمامی فلات ایران است که می‌توانیم آن را امپراتوری ایلام بنامیم، اما در مفهومی محدود، ایلام سرزمینی است که تقریباً استان فعلی فارس را در برمی‌گیرد و انشان عنوان پایتخت آن را دارد. از دید سیاسی، شوشان در برخی ادوار می‌توانست ضمیمه‌ی قلمرو ایلامی (انشان) باشد و گاهی نام ایلام بر آن اطلاق گردد، این ایالت (شوشان) در دوره‌ی ایلامی جدید که اهالی ایلامی تبار به شوشان پناه می‌برند، نام ایلام به خود می‌گیرد. بنابراین، شوشان از ایلام متمایز است. جایگاه انشان / انزان که تاکنون تصور می‌شد در منطقه‌ی بختیاری و شمال خوزستان قرار دارد، به معنای اعم، فارس شرقی است و به معنای اخص، تل ملیان در بیضای فارس است.

یادداشت‌ها

1. Elam
مترجمان ایرانی این کلمه را به صورت‌های عیلام و ایلام می‌نویسند. دکتر ارفعی آن را به شکل ایلام می‌نویسد. این پژوهش در نقل قول‌ها به املا‌ی مترجم وفادار است، اما خود تابع ضبط دکتر ارفعی یعنی ایلام است. در این باره بنگرید به (ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۶۷، ص ۷۸-۷۷).
2. Lullubi
3. Haltamti
۴. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه، نک: Carter and Stoper . 1984 . (و آمیه، پی‌یر، ۱۳۷۲. و مجید زاده، یوسف، ۱۳۷۰).
5. Gudea
6. shushun
شوشون نام ایلامی susiana، سوزیانای یونانی است که تقریباً به خوزستان اطلاق می‌شود و شهر «شوش» در مرکز آن قرار دارد.
7. Anšan / Anzan

8. tall -e- maliyān (۱۳۸۴) به (ابراهیمی، قربانعلی، ۱۳۸۴)
 9. simaški
 10. Eparti
 11. Hur patila
 12. Ige – halki
 13. Untash – Gal
 14. Dur – untash
 15. Choga – Zanbil
 16. Inshu Shinak
- ۱۷- اندکی بعد به رد نظر والتر هیتنس خواهیم پرداخت. اگر چه خود او بعدها در کتاب داریوش و پارس‌ها پذیرفت که انشان / انزان در استان فارس واقع است.
- ۱۸- علامت سؤال از میروشیجی است.
- 19- ruhuratir
 - 20- Shutruk- nahunte
 - ۲۱- و بنگرید به مقاله‌ی ایشان تحت عنوان: «شاهراه تخت جمشید- شوش، برداشتی از گل نبشته‌های باروی تخت جمشید»، در قافله سالار سخن؛ تهران؛ نشر البرز، ۱۳۷۰.
 - 22- William sumner
 - 23- Erica Reiner
 - ۲۴- نتایج فعالیت‌های سامنر طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ تا کنون در قالب سه تک نگاری، دو کتاب و پنج پایان نامه‌ی دکترای و ده‌ها مقاله منتشر شده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: عبدی، کامیار، ۱۳۸۰، صص ۴۷-۶۷.
 - و یا (کارتر، الیزابت. ۱۳۷۲. صص ۵۵-۴۹) و (عبدی، کامیار. ۱۳۷۸. صص ۸۴-۸۰) و (stopler, matthew. w. 1984 – 1985) و (sumner, william m. 1972-1985) و (Reiner, Erica 1973).
 - 25- John Hansman
 - 26- Antsan

۲۷- ۵۰ کیلومتری. احتمالاً اشتباه چاپی در ترجمه رخ داده است.

کتابنامه

۱. آمیه، پیر، (۱۳۷۲)، تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. ابراهیمی، قربانعلی، (۱۳۸۴)، فرهنگ مردم بیضا. گویش نامه‌ی تطبیقی بیضای فارس، تهران: انتشارات نیک خرد.
۳. ارفعی، عبدالمجید، (۱۳۵۶)، فرمان کوروش بزرگ، تهران، فرهنگستان ادب و هنر ایران.
۴. ارفعی، عبدالمجید، (۱۳۶۷)، "سپیده دمی که به روشنایی می‌گراید"، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال سوم، شماره‌ی اول.
۵. بهار، مهرداد، (۱۳۸۱)، پژوهشی در اساطیر ایران. تهران، آگه.
۶. بیانی، شیرین، (۱۳۸۱)، تاریخ ایران باستان (۲). تهران، انتشارات سمت.
۷. داندامایف، م. ا.، (۱۳۶۶)، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، ترجمه‌ی کمال نبی‌پور، تهران، نشر گستره.
۸. دورانت، ویل، (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن (مشرق زمین، گاهواره‌ی تمدن) ترجمه‌ی احمد آرام و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. سازمان برنامه و بودجه‌ی استان چهارمحال و بختیاری؟ طرح مطالعه‌ی جامعه‌ی عشایری، بخش ساختار اجتماعی، شهرکرد.
۱۰. عباس شهنی، دانش، (۱۳۷۴)، تاریخ مسجد سلیمان «از روزگاران باستان تا امروز»، تهران، هیرمند.
۱۱. عبدی، کامیار، (۱۳۷۲)، "بین‌النهرین و ایران باستان" نشر دانش، سال چهاردهم، شماره‌ی اول و دوم.

۱۲. عبدی، کامیار، (۱۳۷۸)، بنای عیلامی میانی در کارگاه EDD در ملیان، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال سیزدهم، شماره‌ی دوم، سال چهاردهم، شماره‌ی اول، ۱۳۷۸، صص ۸۴ - ۸۰.
۱۳. عبدی، کامیار، (۱۳۸۰)، «از سرگیری فعالیت‌های باستان‌شناختی در ملیان»، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال پانزدهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۸۰، صص ۶۷-۴۷.
۱۴. فرای، ریچارد. ن. ۱۳۶۸. میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. فرای، ریچارد. نلسون، (۱۳۸۰)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. کارتر، الیزابت، (۱۳۷۲)، «بنای ایلام میانی در انشان (تل ملیان)»، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، ۱۴ - ۱۳: صص ۴۹ تا ۵۵.
۱۷. کامرون، جورج، (۱۳۶۵)، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. کخ، هاید ماری، (۱۳۷۶)، از زبان داریوش، ترجمه‌ی پرویز رجبی، تهران، کارنگ.
۱۹. کرتیس، جان، (۱۳۷۸)، ایران کهن، ترجمه‌ی خشایار بهاری، تهران، کارنگ.
۲۰. گیرشمن، رمان، (۱۳۴۶)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه‌ی عیسی بهنام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. مجیدزاده، یوسف، (۱۳۶۸)، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۲. مجیدزاده، یوسف، (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۳. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۲۴. ملک‌شهمیرزادی، صادق، (۱۳۷۲)، «ایلام نخستین دولت فدرال جهان»، نشر دانش، سال سیزدهم، شماره‌ی چهارم.
۲۵. میروشیجی، پی‌یردو، (۱۳۷۶)، «از قلمرو ایلامی انشان و شوش تا قلمرو پارسی انشان» شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی. زیر نظر: ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه: هایده اقبال، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۲۶. والا، فرانسوا، (۱۳۷۶)، «خلاصه‌ای از عوامل جغرافیایی ایلام». شوش و جنوب غربی ایران... تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۷. هینتس، والتر، (۱۳۷۶)، دنیای گمشده‌ی عیلام. ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۸. هینتس، والتر، (۱۳۸۰)، داریوش و پارس‌ها، ترجمه‌ی عبدالرحمن صدریه، تهران، امیرکبیر.

29. Carter ,Elizabeth

1996 Excavations at Anshan (Tal-e Malyan): The Middle Elamite period, Malyan Excavation Reports II, Philadelphia: The University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology.

30. Carter, E . and M.W .Stolper ;

31. Elam, Surveys of political History and Archeology , University of

32. California press.

33. Reiner, Erica.

34. "The Location of Anšan" , Revue d'assyriologie 67 : 57-62 .

35. Stolper , Matthew W.

36. ..Texts from Tall-i Malyan I : Elamite Administrative Texts , Philadelphia : university of pensylvania press.

37. proto-Elamite texts from tal-I maylan , kadmos 24 : 1-12 .

38. Sumner , william M.

39. Cultural development in the kur river basin, iran: an archaeological analysis of settlement patterns, ph.d. dissertation, department of anthropology, the university of Pennsylvania.

40. the proto – elamite city – wall at tal-I malyan , iran 23 : 153-161.

41. 1988a prelude to proto-Elamite Anshan : the Lapuiphase , *Iranica Antiqua* 23 : 23 – 44 .
42. 1988b Malian , Tal-e (Anshan) , *Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen Archäologie* 7 (3 – 4): 306 – 320.
43. Archaeological measures of continuity and the arrival of the Persian in Fars , in: *Achaemenid History*, vol. VIII : continuity and change , Heleen Sancisi – Weerdenburg , Amelie Kuhrt , and Margaret C. Root (eds), pp . 97 – 105 , Leiden : Instituut voor het Nabije Oosten .
44. Early Urban Life in the Land of Anshan. Excavations at Tal-e Malyan in the highlands of Iran, *Malyan Excavation Reports* vol. III, Philadelphia and Chicago: the University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology and the Oriental Institute of the University of Chicago.